

دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه
سال ۵، شماره ۱۷، آذر و دی ۱۳۹۶

بررسی همسنج جایگاه زن

در ضربالمثل‌های امثال و حکم و فرهنگ ضربالمثل‌های آکسفورد
بر بنیاد دیدگاه‌های روان‌شناسی آفرد آدلر و اریک برن

علی صادقی‌منش^۱ مهیار علوی‌مقدم^۲ ابراهیم استاجی^۳

(تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۲، تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۴)

چکیده

در میان گونه‌هایی که ما به عنوان ادبیات عامه می‌شناسیم، ضربالمثل‌ها یکی از بهترین زمینه‌های پژوهش درباره اندیشه‌های گویشوران هر زبان به شمار می‌آیند. در حقیقت این گونه، بخشی از ادبیات هر سرزمین است که مردم آن را به عنوان بهترین راه برای بیان اندیشه‌های رایج میان خویش برگزیده‌اند و از آن به عنوان زبان گویایی حالت روانی خود بهره می‌برند. از این رو، بررسی تطبیقی ضربالمثل‌های فارسی و انگلیسی با تمرکز بر موضوع زن، با اتکا بر امثال و حکم و فرهنگ ضربالمثل‌های آکسفورد، می‌تواند نمایانگر بخشی از ذهنیت گویشوران زبان فارسی و انگلیسی باشد؛ به ویژه زمانی که این بررسی همسنج با بهره‌گیری از دیدگاه‌های روان‌شناسی اریک برن و آفرد آدلر صورت گیرد. آموزه‌هایی که با عنوان اصطلاح آلدگی در روان‌شناسی برن و اصطلاح اشتباه‌های بنیادی در روان‌شناسی آدلر مطرح شده است، می‌توانند زمینه را برای تحلیل دقیق ضربالمثل‌های این دو مجموعه فراهم سازد. بررسی دقیق و آماری ضربالمثل‌ها بر پایه دیدگاه‌های یادشده، رهگشایی در ک دقیق و واکاوی تطبیقی جایگاه زنان در ضربالمثل‌های دو زبان

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری.

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول).

* m.alavi2007@yahoo.com

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری.

خواهد بود. بررسی تطبیقی دو مجموعه ضربالمثل یادشده، این نکته را برعما آشکار می‌سازد که در صد آلودگی و اشتباها بنیادی در ضربالمثل‌هایی که در پیوند با موضوع زن هستند، در هر دو زبان بسیار بالاست؛ البته بسامد ضربالمثل‌های سالم در فرهنگ ضربالمثل‌های آکسفورد به میزان ۱۴/۳۵ درصد از ضربالمثل‌های فارسی امثال و حکم افزون‌تر است.

واژه‌های کلیدی: ضربالمثل، زن، برن، آدلر، بررسی تطبیقی فارسی و انگلیسی، امثال و حکم، فرهنگ آکسفورد.

۱. مقدمه

بررسی‌های تطبیقی با کشف اشتراک‌ها می‌توانند راهگشای تعامل و تفاهم فرهنگی میان گویشوران زبان‌های مختلف شوند و ما را به یکی از اهداف اصلی ادبیات تطبیقی که همانا گفت‌وگوی تمدن‌هast (ر.ک: مقدادی، ۱۳۸۱: ۱۲۹) رهنمون گردند و از این رو که امکان ارزیابی مسائل اجتماعی در سطح بین‌المللی را فراهم می‌سازند، درخور توجه و اهمیت هستند؛ به ویژه زمانی که مسئله اصلی در بررسی تطبیقی، جایگاه زنان باشد؛ مسئله‌ای که در مطالعات میانهای قرن حاضر بسیار مورد توجه است.

بر بنیاد آنچه در تعریف ضربالمثل‌ها آمده، مثل‌ها یکی از گونه‌های ادبیات عامیانه هستند (ر.ک: سپیک، ۱۳۸۹: ۱۵) که میان اهالی هر زبان رایج و جاری است (ر.ک: داد، ۱۳۸۵: ۴۲۶) و به عنوان یکی از پایه‌های اصلی ادبیات فولکلور، در بردارنده آداب و رسوم اجدادی، باورها و حتی افسانه‌های پیشینیان‌اند؛ به همین سبب، یکی از بهترین راه‌های بررسی فرهنگ‌ها شناخته می‌شوند (ر.ک: ناصری، ۱۳۹۰: ۹) و از آنجا که آینه تمام‌نمای زندگی واقعی گویشوران هر زبان هستند (ر.ک: سپیک، ۱۳۸۹: ۱۵) در پژوهش‌های روان‌شناسی می‌توانند بسیار کارآمد باشند.

برای بررسی دقیق تأثیرات و پیامدهای روان‌شناسی ضربالمثل‌های هر زبان، باید از دیدگاه‌های روان‌شناسی بهره برد. در مقاله پیش‌رو، دیدگاه‌های آلفرد آدلر (۱۸۷۰-۱۹۳۷م) و اریک برн (۱۹۷۰-۱۹۱۰م)، بنیان و اساس بررسی همسنجی هستند که هدف از آن تعیین دقیق جایگاه زن در ضربالمثل‌های فارسی و انگلیسی است.

دیدگاههایی که به عنوان اساس واکاوی، از بررسی‌های سلیقه‌ای ضربالمثل‌ها جلوگیری می‌کنند و به عنوان یک معیار و اساس، دقت بررسی‌ها را افزایش می‌دهند. تمرکز مقاله پیش‌رو بر جایگاه زن در ضربالمثل‌های فارسی و انگلیسی است؛ بنابراین نگارندگان می‌کوشند با بررسی تطبیقی جایگاه زن در ضربالمثل‌های فارسی و انگلیسی بر بنیاد دیدگاه‌های اریک برن و آفرید آدلر به نگاهی جامع‌تر از تفاوت‌ها و اشتراک‌ها، میان مؤلفه‌های فرهنگی گویشوران این دو زبان در دو کشور انگلستان و ایران دست یابند. اتكای ما در بررسی ضربالمثل‌ها در زبان فارسی بر روی امثال و حکم دهخدا و در زبان انگلیسی بر روی فرهنگ ضربالمثل‌های آکسفورد^۱ خواهد بود. دلیل انتخاب این دو اثر آن است که با وجود آثار متعدد در این زمینه، امثال و حکم دهخدا همچنان کامل‌ترین اثر در زبان فارسی است و در زبان انگلیسی نیز معتبرترین اثر با تمرکز بر ضربالمثل‌های انگلیسی فرهنگ ضربالمثل‌های آکسفورد است.

۲. ادبیات پژوهش

۱-۲. پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق

پرسش‌های بنیادینی که این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به آن‌هاست، بدین شرح‌اند:

الف) در امثال و حکم و فرهنگ ضربالمثل‌های آکسفورد میان ضربالمثل‌هایی که به گونه‌ای در پیوند با موضوع زن هستند، می‌توان آلدگی یا اشتباه بنیادی یافت؟

ب) میزان آلدگی و اشتباه‌های بنیادی ضربالمثل‌های مرتبط با زنان، در دو کتاب مورد بررسی به چه شکل است؟

پ) از بررسی تطبیقی درصدهای این آلدگی‌ها و اشتباه‌های بنیادی در دو زبان چه نتایجی می‌توان گرفت؟

فرضیه‌هایی که در راستای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها مطرح می‌شوند، به ترتیب عبارت‌اند از:

الف) آلدگی‌های روان‌شناسی و اشتباه‌های بنیادی پیرامون موضوع زن، در امثال و حکم و فرهنگ ضربالمثل‌های آکسفورد با بسامد بالا قابل مشاهده است.

ب) آلودگی‌های روان‌شناختی و اشتباه‌های بنیادی ضربالمثل‌های مرتبط با زنان، در کل در ضربالمثل‌های زبان فارسی، بیش از زبان انگلیسی است.

پ) اشتباه‌های بنیادی و آلودگی در ضربالمثل‌های در پیوند با موضوع زن، در هر دو زبان به اندازه‌ای بالاست که می‌توان گفت زن‌ستیزی در پیش‌زمینه فرهنگی - ادبی گویشوران هر دو زبان رواج دارد.

۲-۲. شیوه و روش تحقیق

این تحقیق بر بنیاد شیوه کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از تحلیل، توصیف و نیز بررسی آمار ضربالمثل‌های در موضوع تعیین شده، انجام شده است. تحقیق به این گونه است که نخست، دیدگاه آلفرد آدلر، با تمرکز بر نظریه اشتباه بنیادی و دیدگاه اریک برن، با تمرکز بر نظریه آلودگی تبیین می‌گردد؛ سپس، ضربالمثل‌های مرتبط با زنان در هر دو زبان از کتاب‌های ذکر شده، استخراج می‌گردد. در مرحله بعد نسبت آلودگی و اشتباه بنیادین ضربالمثل‌ها در هر زبان به دقت مشخص و به شکل درصدی نمایش داده می‌شود. درنهایت، بررسی تطبیقی داده‌ها انجام می‌شود تا نتیجه‌گیری نهایی صورت گیرد.

درباره امثال و حکم دهخدا ذکر این نکته ضرورت دارد که گرچه این منبع همچنان به عنوان یکی از معتبرترین مجموعه ضربالمثل پارسی شناخته می‌شود، برخی نقدها بر شیوه گردآوری پدیدآورنده آن وارد است، از جمله گردآوردن بسیاری از کنایه‌ها و نیز اشعاری که شهرت نسبی دارند به عنوان ضربالمثل؛ از این رو گرچه جامعه آماری ما برای ضربالمثل‌های فارسی، امثال و حکم است، این جامعه آماری را به دقت با کتاب دوجلدی فرهنگ بزرگ ضربالمثل‌های فارسی - که اثری است جدیدتر و در آن به تمایز میان کنایه، شعر معروف و ضربالمثل با دقت بسیار توجه شده است - تطبیق دادیم تا نتیجه نهایی، دقیق‌تر و صحیح‌تر باشد.

۳-۲. پیشینه تحقیق

طبق بررسی های صورت گرفته، آثاری که در روش و یا موضوع نگارش به پژوهش پیش رو شباht داشته اند عبارت اند از:

۱. ناهید شاملو (۱۳۸۷). «بررسی و مقایسه سیمای زن و مرد در امثال و حکم دهخدا»،

پژوهشنامه فرهنگ و ادب، س، ۲، ش، ۶، صص ۲۱۹-۲۳۳. گرچه موضوع آن شباهت قابل توجهی به مقاله پیش رو دارد، اما شیوه و روش بررسی کاملاً متفاوت است.

۲. علی اکبر عباسیان (۱۳۸۷)، فرهنگ سیاسی در امثال و حکم فارسی (مؤلفه های فرهنگ سیاسی مردم ایران در آینه امثال و حکم). در این کتاب گرچه شیوه کار و موضوع با پژوهش پیش رو متفاوت است؛ اما در حوزه مسائل سیاسی ایران، تحقیق در خور توجهی است که کوشیده است ویژگی های فرهنگی ایرانیان را با استناد به ضربالمثل های فارسی ارائه نماید.

۳. عبدالرضا محمدحسینزاده و دیگران (۱۳۸۸)، «بررسی جنسیت در ضربالمثل ها با توجه به آیات و احادیث»، مطالعات اجتماعی روان‌شناسی زنان، س، ۷، ش، ۴(پیاپی ۲۲)، صص ۳۱-۷. در این مقاله تأکید بر بررسی جنسیت در ضربالمثل ها با اتكا به احادیث و آیات قرآن است؛ بنابراین بیان نظری کار و نیز شیوه بررسی با پژوهش پیش رو متفاوت است.

۴. جمیله فاطمی (۱۳۹۰)، «بررسی و تحلیل منطقی لغزش های فکری خرد عامله در ضربالمثل های فارسی»، کهن نامه ادب پارسی، س، ۱، ش، ۲، صص ۸۷-۹۹. این مقاله با توجه به کوشش برای یافتن لغزش های فکری به مقاله پیش رو شباهت هایی دارد؛ اما فاقد نظریه ای بنیادین برای بررسی ضربالمثل هاست.

۵. سیدمهدي مسبيوق و دیگران (۱۳۹۲)، «بررسی انتقادی سیمای زن در امثال و حکم فارسی و عربی با استناد به آیات و روایات»، لسان مبین، س، ۵، ش، ۱۴، صص ۱۰۲-۱۱۹. در این اثر نیز همچون پژوهش محمدحسین زاده، اساس کار آیات و روایات است.

۶. پروین امین الرعایا و دیگران (۱۳۹۳)، «بررسی ویژگی‌های منتب به زنان در ضربالمثل‌های فارسی»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۳۴، صص ۸۹-۱۲۰. در این مقاله نیز گرچه برخی ویژگی‌های منتب به زنان بررسی می‌شود؛ اما دیدگاه بنیادی و شیوه کار با پژوهش پیش‌رو تفاوت بنیادی دارد.
7. Ebrahim Estaji and Ali Sadeghimanesh (2016), "Pathology of the psychological contaminations in Dehkhoda's Amsalo Hekam based on the thought of Eric Berne". *International Journal of Humanities and Cultural Studies*. Special Issue :2139-2150.

مقالهنهایی از نظر شیوه پرداختن به ضربالمثل‌ها شbahت افزون‌تری به کار پیش‌رو دارد؛ البته باید در نظر داشت که بنیان نظری این مقاله صرفاً متکی بر نظریه اریک برن است و حالت تطبیقی میان ضربالمثل‌های دو زبان وجود ندارد؛ افزون‌براین، موضوعی که در مقاله معرفی شده بر آن تمرکز شده است، زن نیست؛ بلکه آلودگی‌های مانع درک متقابل و همبستگی اجتماعی است؛ بنابراین مقاله پیش‌رو را باید در نوع خود نو و در شیوه پژوهش کاملاً تازه و بدیع دانست.

۲-۴. ضرورت و اهمیت تحقیق

در میان گونه‌هایی چون ترانه، قصه، اساطیر و ضربالمثل که زیرمجموعه ادبیات عامه هستند و موضوعات آن‌ها برگرفته از فرهنگ قومی است (ر.ک: داد، ۱۳۸۵: ۲۴)، ضربالمثل‌های رایج در میان هر قوم و ملت، نموداری از ذوق، قریحه، صفات اخلاقی، افکار، تصورات، رسوم و عادات آن ملت (ر.ک: شکورزاده بلوری، ۱۳۸۰: هفت) و بازگوکننده حقایق فرهنگی و روشنگر نقاط کور تاریخی و فرهنگی گویشوران هر زبان هستند (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۱۳۸) و بیش از دیگر گونه‌های ادب عامه می‌توانند معرف فرهنگ و اندیشه گویشوران هر زبان باشند (ر.ک: دیویدف، ۱۳۸۹: هفت). ضربالمثل‌ها حاصل درک گویشوران هر زبان از کیفیت مسائلی هستند که طی روزگاران بر آن‌ها گذشته است (ر.ک: پرتوى آملی، ۱۳۹۱: ۱/یازده). نگاه ناقدانه به ضربالمثل‌هایی که درباره موضوع زن رواج یافته‌اند، می‌تواند زمینه‌ساز بازنگری شیوه بهره‌گیری از آن‌ها در جوامع شود. در حقیقت مردم در بهکار بردن برخی از این ضربالمثل‌ها، متوجه این نکته نیستند که ممکن است پذیرش و بهکاربردن آن پیامد خوشایندی نداشته باشد.

چنین است که در زمانه‌ای که مسئله زنان بسیار جدی و مهم به شمار می‌آید، نگاه ناقدانه به برخی از ضربالمثال‌های بر محور زنان، می‌تواند از پیامدهای ناخوشایند فردی و اجتماعی آن جلوگیری کند. هنگامی که این نگاه ناقدانه با یک بررسی تطبیقی همراه می‌شود و درکی فرامیلیتی به خواننده می‌بخشد، یافته‌ها قابل توجه‌تر می‌شوند و گستره نگاه پژوهشگران و مخاطبان را گسترده‌تر می‌سازد.

۳. مبانی نظری تحقیق

درک این نکته ضرورت دارد که در آسیب‌شناسی کارکرد ضربالمثال‌ها برای جلوگیری از نگرش سلیقه‌ای، نیازمند بهره‌گیری از نظریات آزموده شده و معتبر روان‌شناختی هستیم؛ بر همین اساس مبنای بررسی ما در این جستار، افکار و دیدگاه‌های آلفرد آدلر و اریک برن است. پیش از ورود به مبحث اصلی به تبیین برخی از مفاهیم روان‌شناختی این دو روان‌شناس - که در تحلیل محتوای ضربالمثال‌ها می‌توانند مفید باشند - می‌پردازیم. گفتنی است دلیل بهره‌گیری از دیدگاه‌های دو روان‌شناس برای بررسی ضربالمثال‌ها آن است که نظریات این دو روان‌شناس در بررسی دقیقی که مورد نظر ماست، می‌توانند به شکل مکمل هم عمل کنند و به این بررسی تطبیقی، غنا و ارزش دوچندان بخشند و آن را از آفت بررسی‌های سلیقه‌ای مصون دارند.

۱-۳. دیدگاه‌های آلفرد آدلر

آلفرد آدلر (۱۸۷۰-۱۹۳۷)، روان‌شناس اتریشی، بر این باور بود که بشر موجودی اجتماعی است تا جنسی (ر.ک: نورد بی و هال، ۱۳۷۹: ۲۳). بر بنیاد آرای او، بشر از طریق انتظاراتی که در ذهن خویش و برای آینده‌اش می‌پروراند، به حرکت و جنبش درمی‌آید. این انتظارات ذهنی برای آینده، ممکن است کاملاً تخیلی و وهمی باشند و در واقعیت، راهکار سنجیده‌ای برای دست‌یابی بدان‌ها وجود نداشته باشد؛ اما به هر روی، تأثیری ژرف بر رفتار و شخصیت فرد می‌گذراند (ر.ک: همان، ۲۵).

از میان دیدگاه‌های آدلر، آنچه وی با عنوان سبک زندگی^۲ تعریف می‌کند در پژوهش پیش رو درخور توجه است، به ویژه از آن رو که آدلر سبک زندگی هر فرد را

به عنوان راهی برای فهم آینده او معرفی می‌کند (آدلر، ۲۰۱۳: ۹۹). بر بنیاد نگاه او «سبک زندگی معرف نحوه کنار آمدن شخص با موانع زندگی و شیوه وی برای یافتن راه حل‌ها و رسیدن به اهدافش است» (شارف، ۱۳۸۴: ۱۴۶). به باور آدلر (۲۰۰۹: ۱۲) سبک زندگی در اوایل کودکی شکل می‌گیرد. او سبک‌های زندگی را بر اساس دو بُعد دسته‌بندی می‌کند: علاقه اجتماعی و میزان فعالیت. در بُعد علاقه اجتماعی، شاهد دلسوزی و تمایل به همکاری با دیگران برای پیشبرد اهداف اجتماعی هستیم و در بُعد فعالیت منظور آدلر میزان انرژی‌ای است که فرد برای گذر از موانع و حل مشکلاتش صرف می‌کند (ر.ک: شارف، ۱۳۸۴: ۱۴۶-۱۴۷).

آنچه در این تعاریف برای ما اهمیت دارد، علاقه اجتماعی است که بر بنیاد دیدگاه آدلر، گرچه مفهومی فطری است؛ اما رابطه والد و کودک در شکل‌دهی به آن نقش مهمی دارد. اهمیت این مفهوم به اندازه‌ای است که آدلر آن را معیار سلامت روانی در نظر می‌گیرد و فرد کم‌بهره از آن، به باور وی شخصیتی خودمحور خواهد شد که دیگران را تحقیر می‌کند و اهداف سازنده‌ای ندارد (ر.ک: شارف، ۱۳۸۴: ۱۴۸). در نقطه مقابل علاقه اجتماعی که معیار سلامت روانی است، خطهایی قرار دارند که موجب اجتناب و کناره‌گیری از دیگران، یا خودخواهی و قدرت‌طلبی می‌شوند و در حقیقت جزئی از جنبه‌های خودمخرب سبک زندگی افراد هستند (ر.ک: شارف، ۱۳۸۴: ۱۵۸). آدلر (۲۰۰۹: ۱۲) در روانشناسی خود این خطاهای را اشتباه بنیادی^۴ می‌نامد. یکی از پیروان آدلر، موساک، این اشتباهات بینیادی را به گونه‌ای دقیق دسته‌بندی کرده است:

۱. حکم‌های کلی: حکم‌های کلی شامل استفاده از کلماتی چون «همه»، «هرگز»، «هر کس» و «هر چیز» می‌شوند. مثلاً: «همه باید دوستم داشته باشند»، «من هرگز نمی‌توانم کاری را درست انجام بدهم» یا «همه ناراحتم می‌کنند».

۲. اهداف امنیتی غلط یا غیرممکن: فرد جامعه را در مقابل و علیه خودش می‌بیند و احساس اضطراب می‌کند؛ مثلاً «مردم می‌خواهند حقم را ضایع کنند» و «من هرگز موفق نخواهم شد».

۳. برداشت غلط درباره زندگی و الزامات زندگی؛ مثلاً «زندگی خیلی سخت است» و «من هرگز شانس نمی‌آورم».

۴. خوارکردن یا بی ارزش جلوه‌دادن خود؛ در این خطاب، شخص اظهاراتی مبنی بر بی ارزش بودنش می‌کند؛ مثلاً «من احمقم» یا «هیچ کس دوستم ندارد».

۵. ارزش‌های اشتباه؛ این خطاب عمدتاً با رفتار رابطه دارد؛ مثلاً «اگر می‌خواهی کارت راه بیفتد، باید تقلب کنی» یا «حق دیگران را ضایع کن قبل از آنکه حق تو را ضایع کنند» (شارف به نقل از موساک، ۱۳۸۴: ۱۵۸).

از آنجا که ضرب المثل‌ها به عنوان بخشی از ادبیات عامیانه، ممکن است در محیط خانواده و جامعه به کار روند و حتی به کارگیری آن‌ها بر تربیت کودک تأثیر بگذارد، توجه به این نکته که از اشتباه‌های بنیادی تهی باشند و به علاقه اجتماعی افراد آسیب نزنند و تبدیل به عامل مخرب سبک زندگی افراد نگرددند، بایستی یکی از دغدغه‌های پژوهشگران این حوزه باشد.

۲-۳. آرای اریک برن

اریک برن با ارائه الگویی نوین از ساختار شخصیت، سعی در تبیین شخصیت انسان و درک کیفیت تبادله‌ایی داشت که اساس کار او در روان‌درمانی بودند. در این راستا، او با تعریف مفهوم «حالت من»^۵ شخصیت انسان را به سه بُعدِ والد، بالغ و کودک تقسیم کرد.

درباره حالت من والد باید گفت که کلیت این حالت پیش از ورود فرد به اجتماع، یعنی از تولد تا پنج سالگی و تحت تأثیر مقررات، باید و نباید ها و هنجارهای والدین پدید آمده است (ر.ک: هریس، ۱۳۹۱: ۳۰). افکار، احساسات و رفتار فرد زمانی که در حالت من قرار دارد، درست شیوه پدر و مادر و یا اشخاصی است که در کودکی جانشین آن‌ها بودند و وظیفه نگهداری و تربیت کودک را بر عهده داشتند (ر.ک: استوارت و جونز، ۱۳۹۱: ۲۳)؛ به همین سبب است که در گفتار فرد در حالت من، بسامد واژگانی چون «باید»، «هرگز»، «هیچ وقت»، «باید باشد» و ... بسیار بالاست (ر.ک: هریس، ۱۳۹۱: ۳۵).

حالت بالغ، تنها حالت من است که به اکنون و زمان حال معطوف است. در این حالت من، فرد با آنکا به تمام توانایی‌ها و دانسته‌های خویش می‌کوشد نگاهی جامع و فاقد پیش‌داوری به پیرامون خود داشته باشد و از این رهگذر به حل مسائل و گذر از

چالش‌هایی بپردازد که در همان لحظه پیش‌روی او قرار گرفته است و تفکر و تأمل او را می‌طلبد (ر.ک: استوارت و جونز، ۱۳۹۲: ۵۲-۵۳). این حالتِ من، وضعیتی را فراهم می‌آورد که فرد در آن با بهره‌گیری از تفکر، منطق و استدلال به تحلیل اوضاع بپردازد و از این رهگذار به گفت‌وگو با دیگران روی‌آورد (ر.ک: ایزدی، ۱۳۸۵: ۲۳۱).

در برخی موقعیت‌ها، رفتار، افکار و احساس‌های شخص به گونه‌ای است که گویی انعکاسی از رفتارهای او در دوران کودکی اوست. در این موقع، شخص در حالتِ منِ کودک خود قرار دارد (ر.ک: استوارت و جونز، ۱۳۹۱: ۲۳). در تبیین دقیق‌تر حالت کودک باید گفت که این حالتِ من، خلاف حالت بالغ که ظهور آن بیشتر با گونه‌ای تفکر و تأمل همراه است، با احساس‌کردن و به عبارتی، با کنشگری احساسی همراه است.

۱-۲-۳. اختلال آلودگی در حالاتِ من

وجود هر سه حالتِ من به صورت متعادل در شخصیت انسان امری ضروری است؛ در این میان اما مواردی نیز وجود دارد که در آن، حالت‌های منِ شخص دچار اختلال می‌شود و در پی آن شخصیت او نیز با اختلال روانی مواجه می‌گردد. «آلودگی» از جمله اختلال‌هایی است که فرد بدان دچار می‌شود.

در این اختلال، ما شاهد تخلیط حالت‌های من در یکدیگر هستیم؛ به بیان دقیق‌تر، حالت بالغ در این وضعیت، نمی‌تواند استقلال خود را حفظ کند و در یکی از حالت‌های والد یا کودک و گاهی در هر دوی آن‌ها، ادغام می‌شود (ر.ک: هریس، ۱۳۹۱: ۱۲۲). تخلیط حالت بالغ با هر کدام از دو حالتِ منِ دیگر، پیامدهای متفاوتی دارد.

زمانی که حالتِ من بالغ با حالتِ منِ والد درهم آمیخته می‌گردد، وضعیت و حالتی پدید می‌آید که آن را حالت تعصب و پیش‌داوری می‌نامند؛ در این حالت، شخص پیام‌های اندوخته شده در حافظه حالت والد خود را که در بیشتر موارد، هنجارها، باید و نباید و فرمان‌های پدر و مادر او بوده‌اند- با واقعیاتی که حالت بالغش از طریق تفکر و استدلال به آن دست یافته است، در هم می‌آمیزد و بدین گونه با نگاهی متعبانه و مملو از پیش‌داوری، به پیرامون خود می‌نگرد (ر.ک: استوارت و جونز، ۱۳۹۱: ۱۱۷)؛ جملاتی چون «همه اصفهانی‌ها خسیس هستند»، «تمام جوان‌های امروزی تنبل هستند»، «اگر

می خواهی پیشرفت کنی، هیچ وقت به کسی اعتماد نکن»، «زن‌ها کلًّا به درد مشورت نمی خورند» پیش‌داوری‌هایی هستند که به‌سبب بروز این گونه اختلال پدید آمده‌اند. دو حالت دیگر آلدگی، وضعیت‌هایی هستند که حالت بالغ با حالت کودک تخلیط می‌شود که این وضعیت را «وهم» یا «هذیان» می‌نامند (ر.ک: استوارت و جونز، ۱۳۹۱: ۱۱۹) و نیز حالتی که در آن حالت بالغ، هم‌زمان با حالت والد و کودک تخلیط می‌شود که این گونه را «آلدگی دوطرفه» نامیده‌اند (ر.ک: استوارت و جونز، ۱۳۹۱: ۱۲۰). نکته درخور توجه آنکه - چنان‌که در ادامه پژوهش شاهد خواهید بود - تمام آلدگی‌ها درباره جایگاه زنان، میان ضربالمثل‌های فارسی و انگلیسی از گونه آلدگی نخست، یعنی پیش‌داوری و تعصب هستند.

۴. بررسی جایگاه زنان در ضربالمثل‌های فارسی و انگلیسی

بررسی دقیق جایگاه زنان در ضربالمثل‌های امثال و حکم و فرهنگ ضربالمثل‌های آکسپرد بر بنیان دیدگاه‌های روان‌شناسی آفرید آدلر و اریک برн و با در نظر گرفتن پرسش‌های بنیادینی که در مقدمه به آن اشاره کردیم، گویای این نکته است که می‌توان جلوه‌هایی از اشتباه‌های بنیادی و آلدگی را در ضربالمثل‌های فارسی و انگلیسی مشاهده کرد. این گویشوران زبان هستند که هرگاه گزاره‌ای ادبی برایشان جذاب می‌نماید و می‌تواند بیانگر حالات روانی و امیالشان باشد، آن را برمی‌گزینند و آن چنان با بسامد بالا به نقل آن می‌پردازند که اندک‌اندک به عنوان ضربالمثل، رایج می‌گردد؛ بنابراین این گونه ادب عامیانه از سویی جلوه‌گاه فرهنگ و نوع نگرش گویشوران عامی یک زبان، حداقل در گذشته، است و از دیگرسو به عنوان عاملی تأثیرگذار بر عموم مردم در آینده، می‌تواند شناخته شود و بایستی با نگاهی دقیق و نقادانه بررسی شود تا آسیب‌های احتمالی آن سنجیده شود. اهمیت چنین بررسی‌هایی زمانی بیشتر نمود می‌یابد که ضربالمثل‌ها، گاه چنان اقبالی میان عame می‌یابد که همچون اندیشه‌ای استوار و خدشه‌نایذیر به آن استناد می‌کنند و با اساس قراردادن آن‌ها، به استدلال پیرامون موضوعات مختلف می‌پردازند.

پیش از آغاز بررسی ضربالمثل‌ها، ذکر این نکته ضرورت دارد که کارکرد برخی ضربالمثل‌ها میان مردم، همیشه با معنا و کارکرد آن‌ها در متون ادبی همخوانی ندارد؛ از این‌رو، برای درک مفهوم کلی‌ای که مردم از ضربالمثلی درک می‌کنند یا ترجیح می‌دهند از آن درک کنند، میزان تکرار مفهوم به شکل‌های مختلف، بسیار تعیین‌کننده است؛ بنابراین بسامد به کارگیری یک مفهوم در ضربالمثل‌های مختلف، به عنوان عامل تعیین‌کننده سلیقه عمومی مورد توجه قرار گرفت. از همین‌روی تلاش می‌کنیم ابتدا مفاهیمی کلی را در نظر بگیریم، سپس ضربالمثل‌ها را با توجه به کاربرد غالباًشان در زیرمجموعه‌این مفاهیم کلی بنگاریم تا امکان یافتن بسامد و در پی آن درک سلیقه عمومی فراهم گردد.

در ضربالمثل‌های فارسی امثال و حکم و ضربالمثل‌های انگلیسی فرهنگ ضربالمثل‌های آکسفرد جایگاه زنان از چند بعد و جنبه قابل بررسی روان‌شناسختی است. باید این نکته را در نظر داشت که تمام آنچه با عنوان اشتباه‌های بنیادی و آلدگی‌های روان‌شناسختی در بخش بنیان‌های نظری تبیین شده، در بررسی ضربالمثل‌ها می‌توانند هم‌پوشانی داشته باشند. این هم‌پوشانی، از سویی به‌سبب نوع نگرش‌های متفاوتی است که ممکن است ضربالمثل‌ها را به کار بگیرد و رواج دهد و از دیگرسو ناظر بر پیامدهای چندگانه‌ای و چندگونه‌ای است که ممکن است کارکرد این ضربالمثل‌ها داشته باشند.

۵. تجزیه و تحلیل توصیفی - آماری جایگاه زنان در ضربالمثل‌ها

برای درک دقیق‌تر جایگاه زنان در ضربالمثل‌ها، بر اساس دیدگاه روان‌شناسختی آلفرد آدلر و اریک برن، ضربالمثل‌های هر دو زبان را از دو کتاب امثال و حکم و فرهنگ ضربالمثل‌های آکسفرد استخراج و در پنج گروه دسته‌بندی کردیم. با توجه به تفاوت تعداد ضربالمثل‌های موجود در این موضوع در دو کتاب^۱، برای دست‌یافتن به درکی ژرف‌تر، افزون‌بر توضیح مسائل روان‌شناسختی، همراه با نمودار، درصد فراوانی آن‌ها در هر زبان را مشخص کردیم تا بررسی تطبیقی و نتیجه‌گیری نهایی آسان‌تر و البته دقیق‌تر شود. آنچه در ادامه می‌آید، پنج گروه ضربالمثل است که به صورت توصیفی، تحلیلی و آماری، دورنمایی از جایگاه زنان را در ضربالمثل‌های این دو کتاب، ارائه می‌دهد.

۱-۵. زنان، زحمت‌افزای مردان

در برخی ضربالمثل‌ها، همه زنان موجب زحمت مردان ارزیابی شده‌اند و مرد نیمی از جامعه، یعنی زنان را علیه خودش می‌بیند. در برخی از این ضربالمثل‌ها ویژگی‌های ناپسندی چون مکر، حیله، بی‌وفایی به زنان نسبت داده شده است، همانند «مکر زن ابلیس دید و بر زمین بینی کشید» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۱۷۲۲)؛ «ذوقفاری، ۱۳۸۸: ۱۶۹۰/۲» و یا «زن ز وفا شود ز زیور نشود» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۹۲۵)؛ «ذوقفاری، ۱۳۸۸: ۱۱۴۰). در زبان انگلیسی نیز نمونه‌هایی بدین‌سان وجود دارد که زنان را سبب زحمت مردان ارزیابی می‌کند:

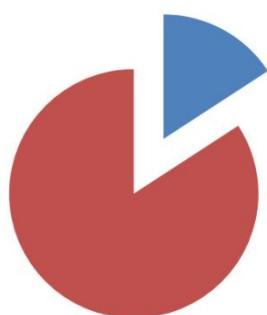
«If you would be happy for a week take a wife» (اسپیک^۷، ۳۴۵: ۲۰۰۷).

ترجمه: اگر می‌خواهی [فقط] برای یک هفته خوشبخت باشی، زن بگیر. این‌گونه نگاه بر بنیاد دیدگاه آفرد آدلر شامل حکم کلی (اشتباه بنیادی اول) و اهداف امنیتی غلط (اشتباه بنیادی دوم) و همچنین بر بنیاد دیدگاه اریک برن، آلدگی از نوع پیش‌داوری است.

چنان‌که در نمودار دایره‌ای قابل مشاهده است ۲۰.۹۸۷ درصد از ضربالمثل‌های امثال و حکم و ۱۵.۷۸۹ درصد از ضربالمثل‌های فرهنگ ضربالمثل‌های آکسفورد بیانگر این موضوع هستند.

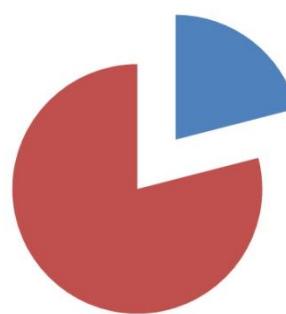
Oxford Dictionary Of Proverbs

■ ضربالمثل‌های دیگر ■ زنان، زحمت‌افزای مردان: ۱۵.۷۸۹ درصد



امثال و حکم

■ ضربالمثل‌های دیگر ■ زنان، زحمت‌افزای مردان: ۲۰.۹۸۷ درصد



نمودار ۱: بسامد ضربالمثل‌های فارسی و انگلیسی با مفهوم «زنان، زحمت‌افزای مردان»

۲-۵. زنان، کم توان تر از مردان

در برخی دیگر از ضربالمثل‌ها همه زنان در اساس کم توان تر از مردان در نظر گرفته شده‌اند. کم توان تر بودن زنان هم از نظر عقلانی است که در این حیطه، مشورت نکردن با زنان (هم به‌سبب نادانی زنان و هم ناتوانی در نگاهداشت راز) توصیه شده است و هم از نظر بدنش. ضربالمثل‌هایی چون «زن ناقص‌العقل است» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۹۲۶/۲؛ ذوق‌الفاری، ۱۳۸۸: ۱۱۴۲/۱) یا «زن ار چه دلیرست و با زور و دست/ همان نیم مرد است هر چون که هست» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۹۲۰/۲؛ ذوق‌الفاری، ۱۳۸۸: ۱۱۳۲) از این قبیل هستند. در ضربالمثل‌های انگلیسی نیز این نگرش بسامد دارد، برای نمونه:

«A woman's work is never done» (اسپیک، ۲۰۰۷: ۳۵۱).

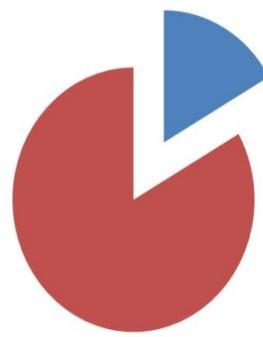
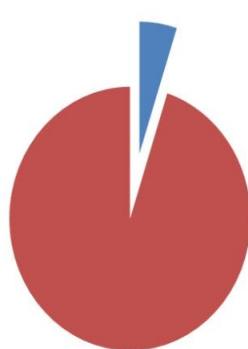
ترجمه: کار زنان، تمامی ندارد و در توضیح آن آمده است که کار زنان هیچ گاه تمام نمی‌شود؛ زیرا هیچ گاه آغاز نمی‌شود.

براساس دیدگاه آدلر این شیوه نگاه افزون بر اشتباه بنیادی اول (حکم کلی) از آن رو که هم‌زیستی و رایزنی مردان با زنان یکی از الزامات زندگی اجتماعی است، شامل اشتباه بنیادی سوم (برداشت غلط درباره زندگی و الزامات زندگی) می‌شود. در این مورد نیز شاهد آلودگی از گونه‌پیش‌داوری بر بنیاد دیدگاه اریک برن هستیم.

Oxford Dictionary OF Proverbs

امثال و حکم

■ ضربالمثل‌های دیگر ■ زنان، کم توان تر از مردان: ۱۶۶۶ درصد ■



نمودار ۲: بسامد ضربالمثل‌های فارسی و انگلیسی با مفهوم «زنان، کم توان تر از مردان»

طبق آنچه در نمودارهای دایره‌ای نیز می‌توانید مشاهده کنید، در ۱۶/۶۶۶ درصد ضربالمثل‌های امثال و حکم و در ۲۶۳/۵ درصد ضربالمثل‌های فرهنگ ضربالمثل‌های آکسپرد این مسئله وجود دارد.^۶

۳-۵. کالاوارگی زنان

نگاه به زن، به گونه‌ای که گویی همه افراد این جنسیت صرفاً به مثابه کالایی هستند که نیاز جنسی مردان را برطرف می‌کنند یا تنها برای زایش فرزند و رُفت‌وروب هستند، نگرشی است که افزون بر آنکه شامل اشتباہ بنیادی سوم (برداشت غلط درباره زندگی و الزامات زندگی)، اول (حکم کلی) و نیز آلودگی از گونه پیش‌داوری می‌شود، از آن‌جا که پیامی پنهانی و نادرست نیز در خود دارد، مبنی بر اینکه «با زنان همچون کالا برخورد کنید تا کارتان پیش رود»، اشتباہ بنیادی پنجم (ارزش‌های اشتباہ) را نیز در خود دارد. ضربالمثل‌هایی چون «زن که رسید به بیست، باید به حالت گریست» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۱۳۸۸؛ ذوق‌القاری، ۱۱۴۱/۱) و یا «از حمام می‌آیی، برو خانه شوهر! از جامه‌شویی، خانه مادر!» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۱۲۳؛ ذوق‌القاری، ۱۳۸۸: ۲۸۷) از این گونه‌اند. این شیوه نگرش در ضربالمثل‌های انگلیسی نیز بازتاب دارد:

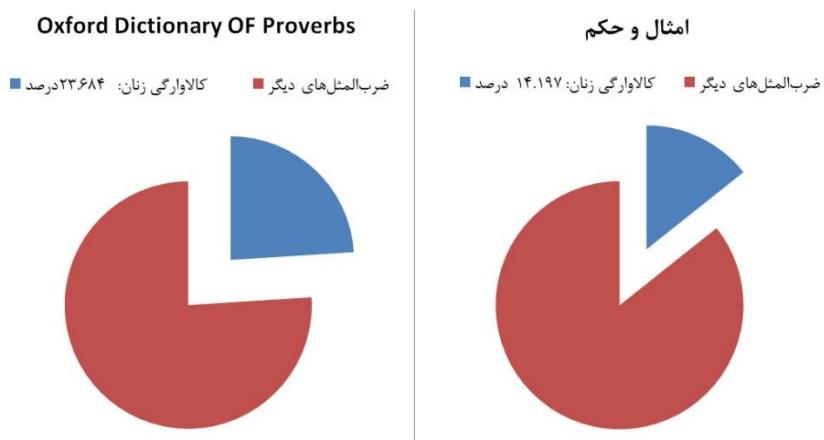
«A whistling woman and a crowing hen are neither fit for God nor men»
(اسپیک، ۲۰۰۷: ۳۵۱).

ترجمه: یک زن غرغعرو و یک پرنده پرسر و صدا، نه برای خدا مناسب هستند و نه برای مردان.

یا این ضربالمثل:

«One hair of a woman draws more than a hundred yoke of oxen»
(اسپیک، ۲۰۰۷: ۱۵).

ترجمه: یک تار موی یک زن، به بیش از صد جفت گاو می‌ارزد.
چنان‌که در نمودارهای دایره‌ای نیز مشهود است، این مسئله در ۱۴/۱۹۷ درصد ضربالمثل‌های امثال و حکم و نیز ۲۳/۶۸۴ درصد ضربالمثل‌های فرهنگ ضربالمثل‌های آکسپرد وجود دارد.



نمودار ۳: بسامد ضربالمثل‌های فارسی و انگلیسی با مفهوم «کالاوارگی زنان»

۴-۵. ضرورت محدود کردن زنان

لزوم ایجاد محدودیت یا رفتار خشونت‌آمیز برای تنبیه زنان از دیگر مواردی است که در برخی ضربالمثل‌ها شاهد آن هستیم که بر بنیاد دیدگاه آدلر شامل ارزش‌های اشتباه (اشتباه بنیادی پنجم) است. اگر پیام نهفتهٔ چنین نگرشی را این جمله نادرست بدانیم که «همه زنان توان درک نادرستی برخی امور را ندارند، بنابراین بایستی با محدودیت برخی امور را به آن‌ها فهماند». بر اساس دیدگاه اریک برن ما شاهد آلدگی از گونهٔ پیش‌داوری نیز هستیم و البته اشتباه بنیادی اول (حکم کلی) از نگاه آدلر هم دربارهٔ این مسئله جاری است. ضربالمثل‌هایی چون «زن چو بیرون رود بزن سختش / خودنمایی کند بکن رختش» (دهخدا، ۱۳۹۰؛ ذوق‌الفاری، ۱۳۸۸؛ ۹۲۳/۲) دچار این مسئله هستند.

این شیوهٔ نگرش در ضربالمثل‌های انگلیسی نیز بسامد دارد:

«A woman's place is in the home» (۳۵۰: ۲۰۰۷). [سپیک، ۲۰۰۷: ۳۵۰]

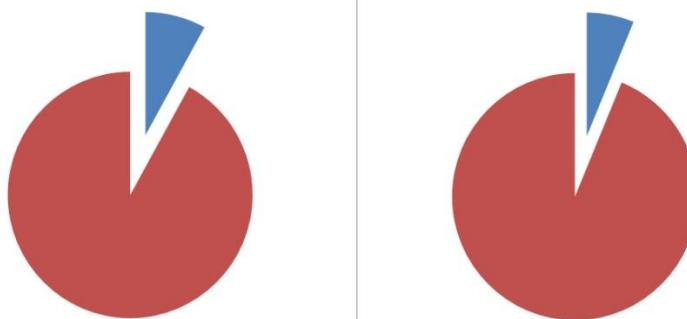
ترجمه: جای زنان در خانه است.

این مسئله به میزان ۶/۱۷۲ درصد در ضربالمثل‌های امثال و حکم و به میزان ۷/۸۹۴ درصد در ضربالمثل‌های فرهنگ ضربالمثل‌های آکسفورد رواج دارد که در نمودارهای دایره‌ای شماره ۳ می‌توانید مشاهده کنید.

Oxford Dictionary OF Proverbs

امثال و حکم

■ ضربالمثل‌های دیگر ■ ضرورت محدود کردن زنان: ۶.۱۷۲ درصد ■ ضربالمثل‌های دیگر ■ ضرورت محدود کردن زنان: ۷/۸۹۴



نموار ۴: بسامد ضربالمثل‌های فارسی و انگلیسی با مفهوم «ضرورت محدود کردن زنان»

۵-۵. نگرش سالم به زنان

در ضربالمثل‌هایی که نه از دیدگاه آفرود آدلر، اشتباه بنیادی خاص و نه از دیدگاه اریک برن آلدگی روان‌شناختی ویژه‌ای دارند، ممکن است حکمی به زنان با صفتی خاص (مثل سلیطه به معنای سلطه‌جو) نسبت داده شود که بر این اساس نمی‌توان آنها را شامل اشتباه بنیادی یا آلدگی دانست؛ زیرا پی‌آورد چنین صفت‌هایی در این ضربالمثل‌ها-همانگونه که درباره زنان صدق می‌کند- درباره مردان نیز صادق است و گوینده چنین ضربالمثلی در حدی آگاه است که تمام افراد یک جنسیت را با یک دید نبینند، همانند «زن نیک، عافیت زندگانی بود» (دهخدا، ۱۳۹۰/۲: ۹۲۷؛ ذوق‌القاری، ۱۳۸۸: ۱۱۴۳/۱). در زبان انگلیسی نیز چنین نگرشی که در آن برابری میان مرد و زن قابل برداشت است، با بسامد بالا مشاهده می‌شود. برای نمونه:

«Every man must follow his trade, and every woman her occupation»

(اسپیک، ۲۰۰۷: ۱۰۰).

ترجمه: هر مردی باید تجارت خود را دنبال کند و هر زنی شغل خود را.

در امثال و حکم ۴۵/۹۷۵ درصد ضربالمثل‌ها و در فرهنگ ضربالمثل‌های آکسفورد

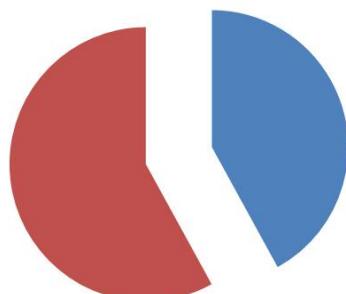
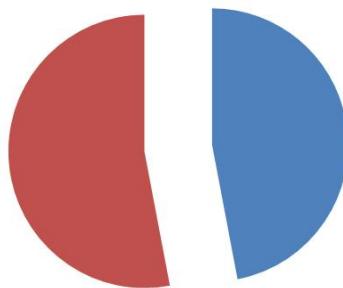
۴۷/۳۶۸ درصد ضربالمثل‌ها با این رویکرد، سالم هستند.

Oxford Dictionary OF Proverbs

امثال و حکم

ضربالمثل‌های دیگر ■ نگرش سالم به زنان: ۴۱.۹۷۵ درصد ■

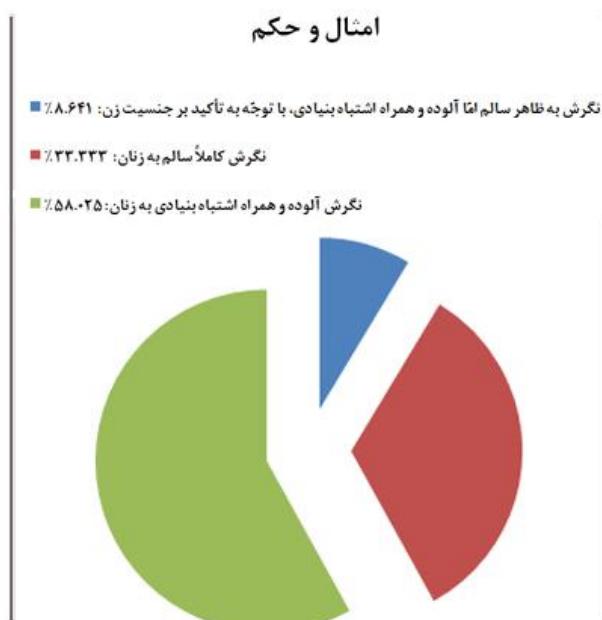
ضربالمثل‌های دیگر ■ نگرش سالم به زنان: ۴۷.۳۶۸ درصد ■



نمودار ۵: بسامد ضربالمثل‌های فارسی و انگلیسی با مفهوم «نگرش سالم به زنان»

بر مبنای رویکردی دیگر باید این نکته را در نظر گرفت که چرا گزاره‌ای که در آن صفت ویژه‌ای به زنان نسبت داده شده است، ضربالمثل می‌شود؛ ولی همان گزاره و صفت برای مردان، ضربالمثل نشده است؛ برای مثال در ضربالمثل «از سه چیز باید حذر کرد: دیوار شکسته، زن سلیطه، سگ گیرنده» (دهخدا، ۱۳۹۰: ۱/۱۳۵؛ ذوالفاری، ۱۳۸۸: ۱/۳۰۴) از زن سلیطه به این شکل سخن رفته است؛ اما ضربالمثلی بدین مضمون یا مضمون مشابه برای مرد سلطه‌جو وجود ندارد. این بدان معناست که جامعه دچار اشتباه بنیادی از گونه اول (حکم کلی)، دوم (اهداف امنیتی غلط) و سوم (برداشت غلط درباره زندگی و الزامات آن) و نیز آلودگی از نوع پیش‌داوری است. از این رو، این گونه از ضربالمثل‌ها را که از نظر روان‌شناسی می‌توان گزاره‌ای سالم دانست؛ اما

ضربالمثل شدنشان نشان از اشتباه بنیادی و آلودگی دارد، باید در زیرمجموعهای جداگانه آورد. نکته درخور توجه آنکه در فرهنگ ضربالمثل‌های آکسفرد ضربالمثل‌هایی که در عین سلامت ظاهری از نظر روان‌شناسی، صفاتی ویژه و نامناسب را صرفاً برای زنان بیاورند، یافت نشد. اما در امثال و حکم ۸/۶۴۱ درصد ضربالمثل‌ها دچار اشتباه بنیادی و آلودگی هستند و ۳۳/۳۳۳ درصد موارد کاملاً سالم ارزیابی می‌شوند.



نمودار ۶: بسامد ضربالمثل‌های به ظاهر سالم و کاملاً سالم در امثال و حکم

۶. نتیجه‌گیری

بررسی آماری دقیق و تطبیقی جایگاه زن در امثال و حکم و فرهنگ ضربالمثل‌های آکسفرد بر بنیاد دیدگاه‌های روان‌شناسی آفرید آدلر و اریک برن، ما را به این نتیجه می‌رساند که برخی ضربالمثل‌ها، نگرش‌هایی همراه با اشتباه بنیادی و آلودگی نسبت به زنان دارند.

در امثال و حکم به میزان ۵/۱۹۸ درصد بیشتر از فرهنگ ضربالمثالهای آکسفرد شاهد نگرش آلوده و همراه با اشتباه بنیادی‌ای - که زنان را موجب زحمت مردان ارزیابی می‌کند - هستیم. گذشته از این اختلاف، این نکته که بیش از ۱۵ درصد ضربالمثالهای انگلیسی و بیش از ۲۰ درصد ضربالمثالهای فارسی دچار این مسئله هستند، نشان‌دهنده ریشه‌دار بودن این نگرش آلوده و دارای اشتباه بنیادی در پیش‌زمینه فرهنگی هر دو زبان است.

این نگرش که زنان از اساس کم‌توان‌تر از مردان هستند، در امثال و حکم ۱۱/۴۰۳ درصد بیشتر از فرهنگ ضربالمثالهای آکسفرد رواج دارد که اختلاف معناداری است و نشان از ژرفای این نگاه، در پیش‌زمینه فرهنگی ایرانیان دارد.

نگاه به زنان همچون کالایی برای برآورده ساختن امیال مردان، در بیش از ۱۴ درصد ضربالمثالهای امثال و حکم مشاهده می‌شود؛ در حالی که در بیش از ۲۳ درصد ضربالمثالهای فرهنگ ضربالمثالهای آکسفرد این باور وجود دارد. این مسئله در ضربالمثالهای انگلیسی ۹/۴۸۷ درصد بیش از ضربالمثالهای فارسی رواج دارد که نشان‌دهنده بحرانی تر بودن پیش‌زمینه ادبی - فرهنگی انگلیسی‌زبانان از این دیدگاه است. یکی از نکته‌های قابل توجه در این پژوهش آن است که نگرش همراه با آلودگی و اشتباه بنیادی‌ای که طبق آن، محدود ساختن زنان برای حفظشان از خطأ ضرورت دارد، در هر دو مجموعه ضربالمثال فارسی و انگلیسی تقریباً به یک میزان، در فارسی اندکی بیش از ۶ درصد و در انگلیسی نزدیک به ۸ درصد بسامد داشت.

وضعیت ضربالمثالهایی که کاملاً سالم ارزیابی می‌شوند، در فرهنگ ضربالمثالهای آکسفرد بهتر از امثال و حکم است. اگر ۸/۶۴۱ درصد ضربالمثالهای فارسی را که در ظاهر سالم هستند؛ اما بهسبب تأکیدشان بر زنان، باید آنها را آلوده و دارای اشتباه بنیادی دانست کنار بگذاریم، بسامد ضربالمثالهای سالم در فرهنگ ضربالمثالهای آکسفرد به میزان ۱۴/۰۳۵ درصد از ضربالمثالهای فارسی امثال و حکم افزون‌تر است.

درنهایت، آگاهی از این موضوع که ۵۸/۰۲۵ درصد از ضربالمثالهای امثال و حکم و ۵۲/۶۳۲ درصد ضربالمثالهای فرهنگ ضربالمثالهای آکسفرد از دیدگاه

روان‌شناختی، به صورت قطعی دارای آلدگی و اشتباه بنیادی هستند، ما را از این مسئله آگاه می‌سازد که در پیش‌زمینه فرهنگی - ادبی پارسی‌زبان‌ها و انگلیسی‌زبان‌ها گزاره‌های زن‌ستیزانه‌ای وجود دارد که بی‌توجهی در به‌کارگیری و پیامدهای آن، می‌تواند برای زنان در اجتماع انسانی مشکل‌ساز باشد؛ افزون بر آنکه اشتباه‌های بنیادی مخرب سبک زندگی افراد هستند و در برخی موارد علاقه اجتماعی افراد را دچار خطرات جدی می‌کنند. وجود آلدگی و اشتباه بنیادی در پیش‌زمینه فرهنگی - ادبی گویشوران هر زبان به همبستگی اجتماعی آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد می‌کند. به باور جامعه‌شناسان کارکردگرا و از جمله امیل دورکهایم (۱۸۵۸-۱۹۱۷م)، همبستگی اجتماعی که نیاز بنیادین هر جامعه برای حفظ و پیشبرد اهداف خود است، از طریق نظام عقاید مشترک ایجاد می‌شود (به نقل از: کوزر، ۱۳۸۷: ۱۹۶). زمانی که بسامد آلدگی روان‌شناختی و نیز اشتباه بنیادی در روابط میان دو جنسیت - که باید مکمل یکدیگر باشند - بالا می‌رود، زنان و مردان به درکی صحیح از یکدیگر دست نمی‌یابند. در چنین وضعیتی افراد این جنسیت‌ها که از درک متقابل یکدیگر بی‌بهره هستند، به دشواری خواهند توانست به یک نظام عقیدتی مشترک دست یابند. عدم درک متقابل افراد هر جنسیت و نیز نظام عقایدی که محصول هماندیشی و وفاق راستین آنان نیست، شکل‌گیری همبستگی اجتماعی را با مشکلات جدی روبرو می‌سازد و آنچه در این میان آسیب بنیادین می‌بیند، نه فقط جایگاه زنان که کلیت جامعه انسانی است.

پی‌نوشت‌ها

1. *Oxford Dictionary of Proverbs*
2. The style of life
3. Adler
4. fundamental error
5. ego state
6. تعداد ۱۶۲ ضرب‌المثل فارسی درباره زنان در امثال و حکم، پس از تطبیق با فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی و حذف کنایه‌ها و شعرهای معروف و تعداد ۳۸ ضرب‌المثل انگلیسی با همین موضوع در فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد یافت شد. منبع انگلیسی که آخرین ویرایش آن را جنیفر اسپیک (Jennifer Speake) در سال ۲۰۰۷ انجام داده است، شامل رایج‌ترین ضرب‌المثل‌های انگلیسی است و از معتبرترین منابع این حوزه در زبان انگلیسی بهشمار می‌آید. تفاوت تعداد ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی، خود می‌تواند معنادار باشد و در مبحثی جداگانه مورد بررسی قرار

گیرد؛ البته برای جلوگیری از آسیب‌رساندن این تفاوت تعداد، بررسی‌های تطبیقی این پژوهش، به صورت درصدی صورت گرفت تا نتیجه نهایی دقیق‌تر و ژرف‌تر باشد.

7. Speake

منابع

- استوارت، یان و ون. جونز (۱۳۹۱). *تحلیل رفتار متقابل: تأملی در روان‌شناسی تجربی*. ترجمه بهمن دادگستر. چ ۱۷. تهران: دایره.
- امین‌الرعایا، پروین و دیگران (۱۳۹۳). «بررسی ویژگی‌های متنسب به زنان در ضربالمثال‌های فارسی». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. ش ۳۴. صص ۸۹-۱۲۰.
- ایزدی، علی‌محمد (۱۳۸۵). *چرا عقب مانده‌ایم؟*. چ ۳. تهران: علم.
- برن، اریک (۱۳۹۱). *بازی‌ها، روان‌شناسی روابط انسانی*. ترجمه اسماعیل فصیح. چ ۱۷. تهران: ذهن‌آویز.
- پرتوی آملی، مهدی (۱۳۹۱). *ریشه‌های تاریخی امثال و حکم*. با مقدمه ابوالقاسم انجوی. چ ۲. تهران: سنا.
- داد، سیما (۱۳۸۵). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. چ ۳. تهران: مروارید.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۹۰). *امثال و حکم*. چ ۴. چ ۱۸. تهران: امیرکبیر.
- دیویدف، هنری (۱۳۸۹). *فرهنگ ضربالمثال‌ها*. ترجمه فرید جواهرکلام. چ ۲. تهران: فرهنگ معاصر.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۱). «خانواده و روابط خانوادگی در ضربالمثال‌های فارسی». *فرهنگ مردم ایران*. ش ۳۱. صص ۱۳۷-۱۵۴.
- سیپک، بیرونی (۱۳۸۸). *فرهنگ بزرگ ضربالمثال‌های فارسی*. چ ۱. تهران: معین.
- سیپک، بیرونی (۱۳۸۹). *ادبیات فولکلور ایران*. ترجمه محمد اخگری. چ ۳. تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما).
- شاملو، ناهید (۱۳۸۷). «بررسی و مقایسه سیمای زن و مرد در امثال و حکم دهخدا». *پژوهشنامه فرهنگ و ادب*. س ۲. ش ۶. صص ۲۱۹-۲۳۳.
- شکورزاده بلوری، ابراهیم (۱۳۸۰). *دوازده هزار مثل فارسی و سی هزار معادل آن‌ها*. چ ۴. مشهد: بهنشر (انتشارات آستان قدس رضوی).

- علی صادقی منش و همکاران
- شولتز، دوان پی. و سیدنی الن. شولتز (۱۳۹۴). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سیدمحمدی. چ ۳۲. تهران: نشر ویرایش.
 - صمدی، بهاره و محمد رضا ابن الرسول (۱۳۸۹). «در نقد امثال و حکم دهخدا». *پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*. س ۲. ش ۳ (۷). صص ۵۰-۳۵
 - عباسیان، علی‌اکبر (۱۳۸۷). *فرهنگ سیاسی در امثال و حکم فارسی(مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی مردم ایران در آینه امثال و حکم)*. چ ۱. تهران: اختران.
 - فاطمی، جمیله (۱۳۹۰). «بررسی و تحلیل منطقی لغزش‌های فکری خرد عame در ضرب المثل‌های فارسی». *کهن‌نامه ادب پارسی*. س ۲. ش ۱. صص ۹۹-۸۷
 - فیروزبخت، مهرداد (۱۳۸۴). اریک برن، بنیان‌گذار تحلیل رفتار متقابل. چ ۱. تهران: دانزه.
 - محمدحسین‌زاده، عبدالرضا و محمد بصیری (۱۳۸۸). «بررسی جنسیت در ضرب المثل‌های با توجه به آیات و احادیث». *مطالعات اجتماعی روان‌شناسی زنان*. س ۷. ش ۴ (۲۲).
- صفحه ۳۱-۷
- مسبوق، سیدمهدی و مریم برزگر (۱۳۹۲). «بررسی انتقادی سیمای زن در امثال و حکم فارسی و عربی با استناد به آیات و روایات». *لسان مبین*. س ۵. ش ۱۴. صص ۱۰۲-۱۱۹.
 - مقدادی، بهرام (۱۳۸۱). «ادبیات تطبیقی و نقش آن در گفت‌وگوی تمدن‌ها». *پژوهش ادبیات معاصر جهان*. س ۹ (۱۳). صص ۱۲۹-۱۵۰.
 - ناصری، مهدی (۱۳۹۰). *فرهنگ ضرب المثل‌های فارسی - عربی*. چ ۱. قم: بوستان کتاب.
 - نورد بی، ورنون و کالوین هال (۱۳۷۹). *راهنمای زندگی‌نامه و نظریه‌های روان‌شناسان بزرگ*. ترجمه احمد بهپژوه و رمضان دولتی. چ ۳. تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.
 - هریس، تامس (۱۳۹۱). *وضعیت آخر*. ترجمه اسماعیل فضیح. چ ۲۸. تهران: فرهنگ نشر نو.
 - Adler, Alfred (2009). *Social Interest: A Challenge to Mankind*. Tr. M.A. John Lintonand and Richards Vaughn. London: Oneworld Publications.
 - ----- (2013) . *The Science of Living*. New York: Routledge.
 - Estaji, Ebrahim and Ali Sadeghimanesh (2016). "Pathology of the psychological contaminations in Dehkhoda's Amsalo Hekam based on the thought of Eric Berne". *International Journal of Humanities and Cultural Studies*.Special Issue :2139-2150.
 - Speake ,Jennifer (2007).*Oxford Dictionary OF Proverbs*. Previously co-edited with John Simpson. Fifth Edition. Oxford :Oxford university Press.

